

## کدام تشکل سراسری کارگری: وابسته یا مستقل؟

تشکل سراسری مستقل کارگری تنها با طرح پیشنهادی  
حیدر عمو اوغلی و اسدالله غفارزاده ممکن خواهد شد\*\*\*!!!

سال هاست که فعالین راستین کارگری تلاش می کنند موانع سر راه جنبش  
کارگری را بر دارند و با اتحاد عمل ها و تجمع ها و مباحثات... خود حداقل در  
بخش فعالین کارگری تشکل سراسری ایجاد کنند، تا بتوانند از آن طریق به  
ایجاد شدن تشکل های پایه ی و واقعی کارگری در محل کار و زندگی آنان کمک  
کنند، اما هنوز بنا به وجود موانع عدیده ای موفق نشدند.

در حال حاضر همانگونه که بسیاری از فعالین پیش بینی می کردند، شرایط و  
اوضاع جامعه بخصوص وضعیت کارگران بسیار بغرنج و انفجاری شده است،  
در نتیجه اکنون سه بخش از فعالین کارگری در تلاش هستند که کارگران را هر  
چه بیش تر در جهت اهداف خود متشکل نمایند، تا در خیزش ها و اعتراضات  
آینده که بسیار محتمل و نزدیک است در جهت اهداف و منافع خود، کارگران  
را هدایت و رهبری کنند.

سه گروه فعالین مورد بحث عبارتند از:

### ۱. فعالین و تشکل‌های وابسته به سرمایه داری (داخلی)

جمهوری اسلامی مانند خانه‌ی کارگر، شوراهای اسلامی کار و... که امروزها تحت فشار اعتراضات کارگری که آشفشانی است و هر لحظه ممکن است فوران کند، چنان با حرارت دست به اعتراض می‌زنند که گاهی اوقات انسان گیج می‌شود و با خود فکر می‌کند مگر همین‌ها نبودند؟ چند سال قبل کارگران معترض را کتک می‌زدند، انقلابیون را لو می‌دادند، با پلیس سیاسی همکاری کرده بسیاری را می‌کشتند، و بسیاری از آن‌ها جاسوس و شکنجه‌گر بودند و هستند، به هر صورت تمام تلاش این گروه برای این است که جمهوری اسلامی را نجات دهند و اگر شورش یا قیامی رخ داد آن را کنترل کرده و به آن اجازه‌ی عبور از جمهوری اسلامی را ندهند، نیازی به توضیح زیاد در مورد آن‌ها نیست چون کارگران با پوست و استخوان خود خیانت آن‌ها را لمس کردند. راهی که این گروه پیشنهاد می‌کند در واقع حفظ جمهوری اسلامی و فقر و گرسنگی، قتل و کشتار، بیکاری و بی‌حقوقی مطلق و انواع جنایت‌های جمهوری اسلامی است.

### ۲. گروه دوم از فعالین وابستگان به سرمایه داری جهانی که با

بهانه‌های آزادی، دموکراسی، حقوق بشر، جامعه‌ی مدنی جهت فریب کارگران هستند تا از استقلال طبقاتی کارگران جلوگیری نمایند، این گروه تمام تلاشش را به کار می‌برد تا با استفاده از کارگران و اعتراضات آن‌ها در جهت امتیازگیری سرمایه جهانی از جمهوری اسلامی و یا نهایتاً سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری دست‌نشانده جدید پیش برود، در این گروه وابسته به سرمایه‌ی جهانی می‌خواهند با استفاده از تشکل‌های کارگری

اعتراضات، شورش یا قیام های احتمالی را تا حد سرنگونی جمهوری اسلامی رهبری کنند و اجازه ندهند قیام یا شورش کارگری و مردمی از سرمایه داری عبور کند، بنا براین هدف آن ها استفاده از کارگران تا سرنگونی جمهوری اسلامی است، و سپس سرکوب خود کارگران، همانگونه که در تونس، مصر و اُکراین دیده می شود، سرمایه ی جهانی طبق تجربیاتی که کسب کرده است می داند، تشکل های کارگری و یا لایه های دیگر اگر به شکل تشکل های کف خیابان باشند پس از رژیم پنج به راحتی می توانند آن ها را منحل و سرکوب نمایند، اما اگر تشکل کارگری در محل کار با اهداف و مطالبات کارگری تشکیل شوند سرکوب آن ها بسیار سخت خواهد بود، به همین دلیل است که سرمایه ی جهانی تلاش می کند فعالین کارگری را به سمت تشکل های بدون کف کارخانه (یعنی تشکل های در کف خیابان) سوق بدهد، اکنون یکی از نمایندگان این گروه منصور اسانلو است، که به سخنگوی سرمایه ی جهانی در مورد ایران برای فریب کارگران به استخدام نهادهای ضدکارگری سرمایه همچون سولیداریته سنتر، سیا، رادیو آمریکا و ... در آمده است، تلاش اسانلو در اولین مرحله این است که کارگران و فعالین کارگری را غیرسیاسی کند و سیاست را به اربابان خودش واگذار نماید، منصور اسانلو در مصاحبه با برنامه ی جامعه ی مدنی صدای آمریکا مورخ ۳/۹/۱۳۹۳ در معرفی کانون مدافعان حقوق کارگر کاملاً دروغ می گوید، البته دروغ گفتن او عمدی و برنامه ریزی شده است، و از کارگران می خواهد سیاسی نباشند، این که سرمایه ی جهانی در کانون مدافعان حقوق کارگر و کارهای او و هم چنین در حرکت های آقایان علیرضا ثقفی و محمود صالحی چه چیزی دیده اند که آن ها را قبول کرده و اقدام به تبلیغ و معرفی و جذب آن ها به نمایندگی اسانلو

می کنند موضوعی است که خود کانون، علیرضا ثقفی و محمود صالحی باید در موضعگیری خود روشن کنند. اما آن چه بسیار مهم است، این که مجری صدای آمریکا می گوید، فقط کانون مدافعان حقوق کارگر می تواند تشکل سراسری تشکیل بدهد، بدون شک آن ها از اهداف و وضعیت تشکیل شدن این تشکل بی اطلاع نیستند، قبل از این که سرمایه ی جهانی بتواند اهداف خود را پیش ببرد، بهتر است اعضای کانون موضعگیری نمایند، و یا افرادی که در بدو تشکیل این کانون بودند ولی هر کدام به دلایلی از همراهی با آن سر باز زدند دلایل خود را برای فعالین و کارگران روشن کنند، آقای ثقفی و محمود صالحی با اعلام موضع خود در رابطه با دروغ های اسانلو و گفته های صدای آمریکا می توانند، مشخص کنند، که در کدام صف و گروه قرار دارند.

راهی که اسانلو به کارگران پیشنهاد می کند تبدیل کارگران به برده های غیرسیاسی و بره واری است که سرمایه ی جهانی می خواهد آن ها را گوشت دم توپ کند، همانگونه که در حال حاضر مردم عراق، افغانستان، سوریه، آفرین و... را تبدیل به آوارگان بی آینده کرده است.

۳. فعالین گروه سوم خواهان استقلال طبقاتی کارگران هستند، این فعالین اعتقاد دارند، تشکل های کارگری و تشکل های فعالین کارگری باید مستقل از سرمایه داخلی و سرمایه جهانی باشند و در جهت ایجاد استقلال طبقاتی گام بر دارند، در نتیجه تلاش می کنند، در صف سومی تشکل سراسری ایجاد کنند که نه وابسته به جمهوری اسلامی و نه وابسته به سرمایه داری جهانی باشد، اگر تشکل کارگری با تکیه بر استقلال طبقاتی صف خود را مشخص کند در قیام و شورش های آتی می تواند هم از جمهوری اسلامی عبور کند و هم از سرمایه داری عبور کرده به اهداف ریز و درشت کارگری خود دست بیابد.

بخشی از این گروه می خواهند کارگران را از طریق ایجاد هیأت های مؤسس سندیکاها، اتحادیه ها در تشکل های توده ای و پایه ای کارگری متشکل کرده و با هماهنگی هیات های مؤسس اقدام به ایجاد فدارسیون های سراسری کنند، که پایه های آن ها در محل کار و زندگی کارگران استوار شده باشد، این بخش از فعالین همچنین با تشکیل هسته ها و کمیته های مخفی در درون کارخانجات و محل زندگی کارگران می خواهند حزب انقلابی طبقه ی کارگر را بسازند، (من نیز اعتقاد دارم این دو سبک کاری پیشنهاد شده تنها راه ایجاد تشکل سراسری کارگری و حزب انقلابی طبقه ی کارگر است.)

ضمن این که طی پروسه ی فوق آگاهی های لازم به کارگران داده می شود، و کارگران را به صورت سازمانیافته برای کسب مطالباتشان آماده می نمایند، و هم چنین زمانی که شورش یا قیامی اتفاق افتاد کارگران برنامه و سازماندهی لازمه را داشته باشند، تا مستقل و آگاهانه پس از، یا در حین عبور از جمهوری اسلامی بتوانند، از سرمایه داری نیز عبور کرده و با تشکیل شوراهای اقدام به برقراری حاکمیت خود کنند. این تنها راهی است که کارگران می توانند مستقل بوده و برای کسب مطالبات خود اقدام مطمئن کنند.

موضع و راهی که در رابطه با تشکل های فعالین کارگری و روش و مسیری که می توان به تشکل سراسری و حزب انقلابی طبقه ی کارگر رسید عبارت است از :

تشکل های فعالین کارگری ولو این که ده ها و هزاران کارگر عضو داشته باشند که در مجامع صنعتی یا کارخانجات مشغول کار باشند و یا نام کارگری را با خود داشته باشند بازهم به دلیل نبود پایه های آن ها در کف کارخانه و عدم متمرکز بودنشان در محل کار یا محل زندگی کارگران تشکل کارگری محسوب

نمی شوند، متأسفانه تا به این روز هم نتوانستند خود را به عنوان مدافع واقعی کارگران به توده های کارگر معرفی نمایند و هستند بسیاری از کارگران که آن ها را می شناسند اما حاضر به قبول آن ها به عنوان بخشی از خود نیستند این عمده ترین ضعف تشکل های فعالین کارگری است.

این تجربه ی تلخ طی بیش از ده سال کسب شده است اما در تاریخ موافقی نیز بوده که تشکل های فعالین در حرکت های کارگری تأثیر داشتند، متأسفانه بدلیل اندیشه های فرقه ای تعدادی از فعالین شناخته شده آن مسیرها را ادامه نداند (می توان به کمک هایی که از طرف تشکل های فعالین کارگری به سندیکای شرکت واحد یا سندیکای هفت تپه و... و بخصوص اتحاد عملی در روز کارگر ۱۳۸۶ شد اشاره نمود) در تجربیات جهانی از این دست می توان به تشکل های کارگری کف خیابان در اعتراضات آرژانتین که توانستند در مدت ۲ ماه سه رئیس جمهور را عوض کنند اشاره کرد، ولی می دانیم آن ها نیز با آن همه قدرت نتوانستند مطالبات کارگری خود را کسب کنند چون تشکل های بودند که معروف به تشکل های اعتراضات کف خیابان هستند.

در نگاه دقیق می توان گفت بدلیل وجود سرکوب شدید فعالین پیشرو جنبش کارگری در مجموع مجبور شده اند، به جای ایجاد تشکل های واقعی کارگری گرفتار میانبر شده و دست به ایجاد تشکل های دو منظوره و فعالین کارگری خارج از محیط کار بزنند، ضمن این که آن ها تا به این روز با توجه به شرایط ایران و طبقه ی کارگر ایران کارهای بسیاری انجام دادند، و هم چنین باید تا ایجاد شدن تشکل های پایه ای کارگران آگاهانه بدون نگاه فرقه ای مورد حمایت واقع شوند، اما باید با دید آگاهانه بدانیم حتی اگر آن ها بسیار رشد کنند به تشکل های قدرتمند کف خیابان تبدیل خواهد شد که نمی توانند به جنبش

کارگری در جهت کسب مطالباتش کمک زیادی بکنند، طی دو دهه ی اخیر عملاً ثابت شده است، که تشکل های کف خیابان با هر ترکیبی تنها می توانند، مورد استفاده جناح های مختلف سرمایه داری در حرکت های رژیم چنچ و انقلابات مخملی واقع شوند، در نتیجه هر گز نمی توان آن ها را با هر رشد کمیتی که کسب کنند به تشکل سراسری کارگری یا حتی تشکل سراسری فعالین کارگری تبدیل کرد، متأسفانه تعدادی از فعالین کارگری و روشنفکری موجود قصدشان از ایجاد تشکل سراسری از طریق خارج از محل کار(تشکل کف خیابان) و ایجاد تشکیلات مختلط (حزبی - توده ای ( تشکل دو منظوره)) به جای تشکل های توده ای و سیاسی که مکمل هم و دارای پیوند ارگانیک میان هم، هستند، و در این میان احزاب و سازمان های مدعی کارگری هر کدام تلاش می کنند، تشکل دو منظوره نزدیک به خود را به عنوان پایه ای از تشکل سراسری به جنبش کارگری تحمیل کنند، چرا که توان برقراری ارتباط ارگانیک با جامعه ی کارگری و توده های کارگر را ندارند، و برای حفظ تشکیلات خود تن به خواست های تشکل های دو منظوره فعالین مرتبط با خود می دهند، و از فعالین نزدیک به خود دفاع غیراصولی، فرقه ای می کنند، این همان تابع خود به خودی شدن است، که هر دو طرف مانع رشد و سازمانیابی طبقه ی کارگر هستند،

اصولی، این است که فعالین کارگری فعال در تشکل های دو منظوره به جای اقدام برای سراسری کردن خود، در حد و مسیر ایجاد هیأت های مؤسس برای ایجاد تشکل های کارگری در کف کارخانه و موازی با چنین عملی با پیوند دادن مستقیم هیات های مؤسس فوق با یکدیگر (نه از طریق درونی خود که بخواهند کارگران و یا هیأت های مؤسس را اول در درون خود حل کنند)

ارتباط کارگری در محل های کاری کارگران را ممکن نمایند، و هم چنین از طریق به هم پیوند دادن تشکل های موجود طبقه ی کارگر اقدام به بسترسازی جهت ممکن شدن تشکل سراسری توده ای کارگران نمایند، و هم چنین باید کارگران انقلابی، سوسیالیست و کمونیست در حد و مسیر ایجاد هسته ها و کمیته های مخفی و انقلابی در محل کار و زندگی کارگران برای ممکن شدن ایجاد حزب انقلابی طبقه ی کارگر اقدام کنند، اگر این دو مسیر طی نشوند نه تنها تشکل سراسری توده ای کارگران تشکیل نخواهد شد، بلکه حزب سیاسی طبقه ی کارگر که مکمل مورد قبول برای تشکل های توده ای کارگران است، نیز ایجاد نخواهد گشت.

از فعالین و تشکل های فعالین کارگری می خواهم، ضمن این که جایگاه واقعی خود در جنبش کارگری را شناخته و دست رد به سینه خیانتکاران همچون شوراهای اسلامی کار، خانه کارگر و ... که وابسته به جمهوری اسلامی و سرمایه داخلی هستند، و هم چنین دست رد به سینه فریب خوردگان و فریب دهندگان سرمایه ی جهانی با نمایندگی فعلی اسانلو بزنند.

از کارگران و فعالین کارگری می خواهم، بنا به درخواست رفقا حیدر عمواغلی و اسدالله غفارزاده که حدود پنج ماه پیش طرح پیشنهادی خود را منتشر کردند، طبق پیشنهاد این رفقا با ایجاد هیأت های مؤسس سندیکاها ضمن تشکیل سندیکاها و اتحادیه های کارگری و با به هم پیوند دادن آن ها اقدام به ایجاد فدراسیون های سراسری نمایند، هم چنین از فعالین انقلابی، کارگران سوسیالیست و کمونیست باز هم، پیرو درخواست رفقا حیدر عمواغلی و اسدالله غفارزاده با تشکیل هسته ها و کمیته های مخفی و انقلابی در درون کارخانجات و محلات کارگری اقدام به ایجاد خشت های اولیه



حزب انقلابی طبقه ی کارگر نمایند، در این جهت رهنمودهای منتشر شده است که رفقا با استفاده از اینترنت به آن ها دسترسی خواهند داشت.

پیش بسوی ایجاد هیأت های مؤسس تشکل های کارگری

پیش بسوی ایجاد تشکل های کارگری

پیش بسوی ایجاد فدراسیون های سراسری

پیش بسوی ایجاد هسته ها و کمیته های مخفی انقلابی

پیش بسوی ایجاد حزب انقلابی طبقه ی کارگری

محمد اشرفی

۲۷/۸/۱۳۹۳

[http://nashriye.com/?p=۲۹\\*](http://nashriye.com/?p=۲۹*)

[http://nashriye.com/?p=۲۲\\*\\*](http://nashriye.com/?p=۲۲**)

[http://nashriye.com/?p=۲۷۶\\*\\*\\*](http://nashriye.com/?p=۲۷۶***)

[http://nashriye.com/?p=۱۰۹\\*\\*\\*\\*](http://nashriye.com/?p=۱۰۹****)

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: [yasharazarri@gmail.com](mailto:yasharazarri@gmail.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری